



شاید دریای نور در میان جواهرات ملی ایران، مقام اول را دارا باشد. این الماس معروف و الماس کوه نور، ظاهراً به علت قرابت نام، پیوسته یک زوج به شمار می‌آمده اند، در حالی که از نظر تراش و رنگ هیچ وجه مشترکی با یکدیگر ندارند. هر دو گوهر از آن نادر شاه بود، اما الماس کوه نور، بعد از مرگ نادر شاه، توسط احمدشاه درانی به افغانستان برده شد. بعد از احمدشاه، به شاه شجاع منتقل شد و پس از شکست شاه شجاع به دست سردار هندی، ملقب به شیر پنجاب، الماس مزبور به تصرف سردار نامبرده درآمد. این گوهرها بعدها به دست کمپانی هند شرقی افتاد و بدان وسیله به دربار انگلستان راه جست و به ملکه ویکتوریا هدیه گردید. هم اکنون نیز این گوهر در تاج ملکه الیزابت، مادر ملکه فعلی انگلستان، نصب است.

الماس دریای نور، پس از قتل نادرشاه، به نوه او شاهرخ میرزا رسید، سپس به دست امیرعلم خان خزیمه و بعداً به دست لطفعلی خان زند افتاد. هنگامیکه لطفعلی خان به دست آقا محمدخان قاجار شکست خورد، گوهر مذکور به گنجینه جواهرات قاجار منتقل گشت.

ناصرالدین شاه معتقد بود این گوهر یکی از گوهرهای تاج کوروش بوده است و خود او بسیار به این گوهر گرانبها علاقه داشت و زمانی آن را به کلاه و گاهی به سینه خود نصب می‌کرد و حتی تولیت دریای نور را منصبی مخصوص قرار داد و این افتخار مهم را به اعیان و بزرگان کشور محول می‌داشت.

دریای نور بعدها داخل موزه دولتی گردید و اینک زینت بخش خزانه جواهرات ملی است. وزن دریای نور 182 قیراط است و رنگ آن صورتی است که کمیاب‌ترین رنگ الماس است. در سال 1344، هنگام بررسی جواهرات ملی توسط دانشمندان کانادایی، درباره این گوهر نکته بسیار جالب توجهی کشف شد:

تاورنیه، سیاحتگر و جواهرشناس معروف فرانسوی، در کتاب خود از الماس صورتی رنگ به وزن 242 قیراط سخن می‌گوید و اشاره می‌کند در سال 1642 میلادی آن را در شرق دیده است و نقشه و اندازه‌های آن را نیز در کتاب شرح می‌دهد و آن را Grand Table Diamante (الماس یا لوح بزرگ) می‌نامد. رنگ و شکل این الماس توجه دانشمندان کانادایی را جلب کرد و ایشان معتقدند الماس دریای نور و نورالعین دثیتر اصل یک قطعه الماس بوده و بعداً آنرا به دو تکه قسمت نموده اند که تکه بزرگ آن دریای نور نام گرفته و تکه کوچک آن که به وزن 60 قیراط است، نورالعین نامیده شد.